

۱۶۸۱۸

مجله	دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد
تاریخ نشر	بهار ۱۳۴۸
شماره	اول سال پنجم
شماره مسلسل	۱۷
محل نشر	مشهد
زبان	فارسی
نویسنده	جلال متینی
تعداد صفحات	۱۱۲ - ۱۳۴
موضوع	برخی نشانه‌های نادر استغرام در فارسی
سرفصلها	
کیفیت	
ملاحظات	

کتابخانه

کتابخانه

## جلال متینی

## برخی نشانه‌های نادر استفهام در فارسی

آذا، ای، او، و، یا، باش، درنگر، بشنو...؟

بطوری که می‌دانیم از انواع جمله‌ها یکی جمله استفهامی یا پرسشی است. ساختمان این جمله‌ها در زبان فارسی بدیگی از این دو شکل است:

۱- جمله استفهامی با جمله خبری جز اختلاف لحن و آهنگ تفاوتی ندارد مانند:

جان دهم اینجا، بیمیرم در فراق؟  
 که شما بر سبزه گاهی بر درخت؟

گفت می‌شاید که من در اشتیاق  
 این روا باشد که من در بند سخت

۱- مثنوی معنوی

که ای بیهوده مرد پرخاشجوی  
 سر سرکشان زیر سنگ آورد؟  
 سوار اندر آیند هر سه بیچنگ؟  
 شاهنامه فردوسی

توهمتن چنین داد پاسخ بدوی  
 پیاده ندیدی که جنگ آورد  
 بشهر تو شیرو پلنگ و نهنگ

شیر گفت: روزهاست که ندیده‌ام، خیر هست؟ گفت: خیر باشد. از جای  
 بشد. بپرسید که: چیزی حادث شده‌است؟ گفت: آری.

۳- کلیله و دمنده

۲- علاوه بر تغییر آهنگ، در آغاز جمله استفهامی نشانه پرسش، «آیا» ،

نیز افزوده می‌شود مثل :

فروماند و از کارش آمد شکفت	یسی با دل اندیشه اندر گرفت
که آیا بهشت است یا یزماگه	سپهر برینست یا چرخر ماه؟
	فردوسی <sup>۴</sup>

امروز ما فارسی‌زبانان، در لهجه محاوره، جمله‌های پرسشی را غالباً بی‌استعمال کلمه «آیا» بکار می‌بریم و برای تمییز جمله‌های خبری و استفهامی از یکدیگر فقط به تغییر آهنگ جمله اکتفا می‌کنیم مانند: کتاب را خریدی؟ اورا دیدی؟ این خبر را شنیدی؟ ولی چنانکه می‌دانیم در روزگار ما نیز در «لفظ‌قلم» استعمال کلمه «آیا» در آغاز جمله‌های استفهامی معمول است گرچه عمومیت ندارد.

آنچه نگارنده در این مختصر مورد بحث قرار می‌دهد طرز استعمال جمله‌های استفهامی در بعضی آثار مکتوب فارسی از قرن چهارم هجری بعد است. و پاسخی است بدین سؤال که آیا نویسندگان و شاعران ما هم قاعده‌ای را که امروز معمول است مراعات می‌کرده‌اند، یا آنکه در ساختن جمله‌های پرسشی، اصل و یا اصولی دیگر را بکار می‌برده‌اند.

نگارنده در ضمن مطالعات پراکنده خود در نظم و نثر فارسی این موضوع را دریافته بود که نویسندگان و شاعران فارسی زبان در اکثر موارد جمله‌های استفهامی را به شیوه‌ای که امروز نیز متداول است - یعنی فقط با تغییر آهنگ - از جمله‌های خبری مشخص می‌ساخته‌اند. و چون در آن روزگار علامت پرسش (!؟) نیز در کتابت معمول نبوده است، خواننده ناچار باید فقط با توجه به معنی عبارت، جمله استفهامی را از جمله خبری تشخیص بدهد. البته جمله‌هایی که با نشانه «آیا» شروع می‌شود نیز در آثار قدما وجود دارد که مثال هر دو نوع جمله را ملاحظه فرمودید.

اما مطالعه نسخه تفسیر قرآن مجید، محفوظ در کتابخانه کمبریج انگلستان که به تفسیر کمبریج شهرت یافته است، نویسنده این سطور را از چند سال پیش به حقیقت دیگری در این باب رهنمون شد که در ابتداء خالی از غرابت نبود، زیرا مؤلف این کتاب در ترجمه جمله‌های استفهامی قرآن مجید که در آنها همزه استفهام یا «هل» آمده است، مطلقاً «آیا»، بکار نبرده، و در اکثر موارد بجای آن کلمات «او»، «و»، «یا» استعمال کرده است.<sup>۶</sup> چون این موضوع جالب توجه بنظر می‌رسید تقریباً تمام شواهد موجود در تفسیر کمبریج را در این مورد یادداشت کرد و با توجه بدین حقیقت که مترجمان و مفسران قرآن مجید، در برگردانیدن آیات قرآنی، به زبان فارسی، دقتی وسواس‌آمیز داشته‌اند و کوشیده‌اند حتی المقدور در برابر هر حرف یا کلمه‌ای، نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل آنرا از زبان فارسی قرار بدهند تا در ترجمه کلام مقدس الهی خللی روی ندهد، برای نویسنده این سطور یقین حاصل شد که در لهجه مؤلف این تفسیر که احتمالاً خراسانی است<sup>۷</sup> کلمات «او»، «و»، «یا» معادل «آیا» و برابر دو حرف استفهام عربی: «همزه استفهام» و «هل» بوده است.

برای آنکه بتوان موضوع را بصورتی دقیق‌تر و تاحدی کاملتر مورد مطالعه قرارداد، لازم بود در باب استعمال نشانه استفهام یا پرسش در زبان فارسی، متون مختلف نظم و نثر فارسی را از نظر گذرانید. نگارنده برای این کار از جمله متون معتبر فارسی، متن‌های تفسیر قرآن مجید را بر دیگر متون ترجیح داد، زیرا در ترجمه‌های قرآن و تفاسیر فارسی چنانکه گذشت مترجم و مفسر خود را موظف می‌دانسته‌اند که آیات قرآنی را حرف به حرف و کلمه به کلمه به زبان فارسی برگردانند، در صورتی که دیگر مؤلفان چنین الزامی برای خود قائل نبوده‌اند. بدین جهت نسخه‌های خطی و چاپی برخی تفسیرهای فارسی را بدین شرح برای استقصای نشانه استفهام فارسی برگزید:

- ۱- ترجمه تفسیر طبری به تصحیح حبیب یغمائی، ۷ مجلد، از انتشارات دانشگاه تهران .
  - ۲- تفسیر کمبریج - نیمه دوم قرآن - نسخه کتابخانه کمبریج انگلستان .
  - ۳- تفسیر سور آبادی (ترجمه و قصدهای قرآن از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جسام) به تصحیح مهدی بیانی و یحیی مهدوی ۲ مجلد، از انتشارات دانشگاه تهران .
  - ۴- کشف الاسرار و عدة الابرار تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبیدی به تصحیح علی اصغر حکمت ۱۰ مجلد ، از انتشارات دانشگاه تهران .
  - ۵- تفسیر ابوالفتوح رازی به تصحیح مهدی الهی قمشاهی ۱۰ مجلد ، چاپ دوم ، ناشر: علمی .
  - ۶- بخشی از تفسیر قرآن مجید، نسخه شماره Or. ۶۵۷۳ موزه بریتانیا، محتملاً مکتوب در قرن هفتم یا هشتم هجری<sup>۸</sup> .
  - ۷- بخشی از تفسیر قرآن مجید، نسخه شماره ۳۰۱ کتابخانه فاتح استانبول ، مکتوب به سال ۶۳۱ هجری<sup>۹</sup> .
  - ۸- تفسیر پاک، محتملاً از اواسط قرن پنجم هجری، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران .
  - ۹- قرآن مجید با ترجمه، نسخه شماره ۱۴۶۸ گنجینه قرآن آستان قدس رضوی.
  - ۱۰- قرآن مجید با ترجمه، نسخه شماره ۵۸ گنجینه قرآن آستان قدس رضوی .
  - ۱۱- قرآن مجید با ترجمه، نسخه شماره ۷۷ گنجینه قرآن آستان قدس رضوی.
- از متون مذکور، علاوه بر آنکه تفسیر کمبریج، تفسیر موزه بریتانیا، تفسیر کتابخانه فاتح و یک مجلد از مجلدات دوگانه تفسیر سورآبادی و مجلداتی چند از ترجمه تفسیر طبری ، کشف الاسرار میبیدی و تفسیر ابوالفتوح رازی ، را بدقت مطالعه کرد ، با مراجعه به کشف الایات فاوگل نیز موارد استعمال «همزه

استفهام» و «هل» را در قرآن مجید تعیین نمود و در حدود یکصد مورد از آنرا در تفسیرهای مختلف جستجو کرد و شیوه‌های مختلف استعمال نشانه‌استفهام را یادداشت کرد. نتیجه‌ای که از این استقما حاصل شد باختصار ازین قرار است:

۱- مترجمان تفسیر طبری در بسیاری از موارد در ترجمه آیات قرآن در برابر «همزه استفهام» و «هل» کلمه‌ای فارسی قرار نداده‌اند و خواننده ناچار باید جمله استفهامی را با تغییر آهنگ از جمله خبری تشخیص بدهد. بعلاوه در مواردی هم نشانه «آیا» و در برخی از موارد - که نادر است - کلمات «ای»، «و»، «یا»، «هیچ» را معادل دو حرف استفهام عربی بکار برده‌اند.

۲- مؤلف تفسیر کمبریج با آنکه در برخی از موارد در ترجمه آیات قرآنی معادلی برای «همزه استفهام» و «هل» بکار نبرده است ولی در اکثر موارد بجای آن دو، «او» و در مواردی کمتر «و»، «یا»، «هیچ» استعمال کرده است.

۳- در تفسیر سورآبادی اصل بر استعمال کلمه «ای» بجای همزه استفهام، و «هیچ» معادل کلمه «هل» است. البته مواردی در همین کتاب وجود دارد که در جمله‌های استفهامی فارسی نشانه پرسش بکار نرفته است. بعلاوه در برخی از موارد - که به نسبت استعمال «ای» نادر است - کلمات «یا»، «و»، «هرگز»، و در دو مورد نیز «آذا» بعنوان نشانه استفهام استعمال شده است.

۴- در کشف‌الاسرار میبیدی اصل بر استعمال جمله‌های استفهامی بی نشانه پرسش است. و نیز بسیار بندرت دیده می‌شود که در این کتاب بجای «همزه استفهام»، کلمات «باش»، «آیا»، «یا» استعمال شده است.

۵- در تفسیر موزه بریتانیا در موارد معدودی «او» بعنوان نشانه استفهام بکار رفته است.

۶- در صفحات معدود تفسیر کتابخانه فاتیح نیز در چند مورد «او» بجای «آیا» استعمال شده است.

۷- در تفسیر ابوالفتوح رازی، بطور کلی در برابر دو حرف استفهام عربی، «آیا» بکار رفته است.

۸- در تفسیر پاك نیز- که از آیه ۶۵ تا ۱۵۱ سوره بقره را شامل است - نشانه استفهام فارسی بکار نرفته است.

درباره طرز استعمال نشانه‌های مختلف استفهام، معادل کلمه «آیا»، و «همزه استفهام» و «هل» در تفاسیر فارسی چند نکته گفتنی دیگر نیز وجود دارد که ذیلاً از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد:

اول - استعمال نشانه‌های مختلف استفهام در هر يك از متون فارسی مذکور در فوق بهیچ وجه حاکی از اختلاف معنی آنها با یکدیگر نیست زیرا هر يك از مؤلفان ممکن است در ترجمه یکی از حروف استفهام عربی کلمات مختلف فارسی بکار برده باشند. توجه به شواهد ذیل که از ترجمه تفسیر طبری نقل می‌شود این حقیقت را بهتر آشکار می‌سازد:

افام یسیروا فی الارض.. ۱۹/۱۲ : آیا نه روند اندر زمین ...؟

افلم یهد لهم ... ۱۲۸/۲۰ : نیامد پدیدار ایشان را ...؟

افلم یایس الذین امنوا.. ۳۱/۱۳ ح : ای نه داند آنکها که بگرویدند...؟

افلم یایس الذین امنوا.. ۳۱/۱۳ ح : یا همی ندانند آنکها که بگرویدند...؟

قال اولم تؤمن قال بلی.. ۲۶۰/۲۰ : گفت: نه مؤمنی؟ گفت: آری .

او کم یهد الذین... ۱۰۰/۷ : یا نه راه نماید آن کها را ...؟

دوم - کلمه «ای» که معادل نشانه استفهام، «آیا»، بکار رفته است - با کلمه

«ای» عربی که برای تفسیر آید و معادل «یعنی» است ارتباطی ندارد :

هم یخصمون و ایشان بر یکدیگر داوری می‌کنند ای که قیامت برخیزد

ناگاه که ایشان در خصومت باشند بر یکدیگر. تفسیر کمبریج b ۱۸۲

نخستین بار موضوع استعمال کلمه «ای» بمعنی «آیا» را در تفسیر سوراآبادی،

جناب آقای دکترخانلری استاد محترم دانشگاه تهران به‌بنده یادآوری فرمودند. سوم - کلمه‌های «او» و «و» - که تلفظ صحیح آنها بر نگارنده روشن نیست و نمی‌داند اولی را بصورت 'o' o'ava و یا شکل دیگر، و دومی را بشکل va یا o تلفظ می‌کرده‌اند - با ضمیر شخصی، سوم شخص مفرد، و همچنین حرف عطف بی‌ارتباط است.

چهارم - در استعمال کلمه «باش» بعنوان نشانه استفهام و بجای «همزه استفهام» که منحصرأ در کشف الاسرار میبیدی و در مواردی معدود بکار رفته است و بسیار قابل توجه است، خود مؤلف کتاب خوشبختانه در تفسیر آیه ۱۰۹ سوره التوبة (۹) اطلاعات مفیدی داده است. وی در ترجمه آیه: افمن اسس بنیانه علی تقوی من الله و رضوان خیر ام من اسس بنیانه... در برابر همزه استفهام کلمه‌های بکار نبرده و آنرا اینطور به‌فارسی برگردانیده است: آنکس که بنیاد نهادند بنا او را... بر تقوی از خدای و خشنودی و پسنداز او؟ (کشف الاسرار میبیدی ۲۰۱/۴)، ولی در تفسیر همین آیه توضیحی جالب نظر در مورد معادل‌های همزه استفهام و دیگر حروف استفهام عربی در زبان فارسی می‌دهد بدین شرح:

«افمن اسس» بضم الف «بنیانه» علی‌الزرفع قرائت مدنی و شامی است. افمن این الف و فا استفهام است سخن بآن مفتوح، چنان که پارسی‌گویان گویند در آغاز سخن: باش که کسی چنین کند؟ درنگر که کسی چنین کند؟ بشنو که کسی چنین کند؟ و عرب استفهام کنند بالف، و بالف وفا، و بالف و واو، و بنه صوت بی‌حرف کشف الاسرار، ۲۱۳/۴.

بطوری که ملاحظه می‌شود ابوالفضل میبیدی کلمات «باش»، «درنگر»، و «بشنو» را در آغاز جمله‌های فارسی معادل همزه استفهام و دیگر نشانه‌های استفهام عربی می‌داند.

پنجم - در برخی موارد نیز دیده می‌شود که در چند تفسیر فارسی در برابر یکی از حروف استفهام عربی، کلمات مشابه استفهام فارسی بکار رفته است:



۱۸/۲۵ . انتم اضللتیم

ترجمه طبری

سورآبادی

میبدی

همی شما بی‌راه کردید؟ شما گم کردید؟ آن‌شما بودید که بی‌راه کردید؟

ایتولون ۷۷/۱۰

ای ای همی گوید؟ ای می گوید؟

الم تعلم ۱۰۱/۲

و ندانی که ... ؟ و نمیدانی ... ؟

۲۰/۶۷ من هذا الذی

یا کیست ... ؟ یا کیست ... ؟ یا آن کیست ... ؟

ششم - برخی از این نشانه‌های پرسش فقط در بعضی از تفسیرها بکار رفته‌است مانند: «او» در تفسیر کمبریج، تفسیر بریتانیا، تفسیر طبری، و تفسیر فانج، و «باش» در کشف‌الاسرار میبدی، و «آذا» در تفسیر سورآبادی.

هفتم - بعضی از این نشانه‌ها در برخی از تفسیرها بیشتر و در بعضی کمتر استعمال شده‌است مانند: «ای» که در تفسیر سورآبادی بسیار بکار رفته‌است و در ترجمه تفسیر طبری و کشف‌الاسرار میبدی بندرت دیده می‌شود، و «آیا» که در تفسیر ابوالفتوح رازی بسیار متداول است و در ترجمه تفسیر طبری در بعضی از موارد بکار رفته‌است و در کشف‌الاسرار میبدی بسیار بندرت دیده می‌شود.

\*\*\*\*

اینک با توجه بآنچه گذشت، برخی از آیات قرآن مجید که در آنها «همزة استفهام» و «هل» بکار رفته‌است با نقل ترجمه آنها از تفسیرهای مختلف بعرض خوانندگان محترم می‌رسد تا طرز استعمال نشانه‌های نادر استفهام فارسی در متون مورد بحث بهتر روشن شود. نمونه‌های ذیل از بین شواهد بسیار برگزیده شده و در انتخاب آنها سعی شده‌است آیه‌هایی نقل گردد که در آنها حرف استفهام

بکار رفته باشد و در تفاسیر فارسی در برابر حرف استفهام عربی نشانه‌های مختلف استفهام فارسی استعمال شده باشد .

شواهد مورد بحث در سه قسمت و شرح ذیل طبقه‌بندی گردیده است :

۱- نشانه‌های استفهام فارسی معادل «همزه استفهام» به‌نقل از ترجمه آیات

قرآن .

۲- نشانه‌های استفهام فارسی معادل «هل» منقول از ترجمه آیات قرآن .<sup>۱</sup>

۳- نشانه‌های استفهام منقول از متن فارسی تفسیرهای مورد بحث .<sup>۲</sup>

در نمونه‌های ذیل نشانه‌های استفهام فارسی با حروف سیاه چاپ شده است.

مثالها :

۱- نشانه‌های استفهام فارسی معادل «همزه استفهام» :

ءَ اَمِنْتُمْ مَن فِى السَّمَاۤءِ اَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْاَرْضَ فَاِذَا هِىَ تَسْوِر

۱۶/۶۷

آیا ایمن شدید از آنک اندر آسمان بدان که بگیرد شمارا زمین وانگاه آن

می برگردد؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۹۰۹/۷

یا ایمن گشتید از آنک اندر آسمانست...؟ ترجمه تفسیر طبری ۱۹۰۹/۷ ح ۷<sup>۳</sup>

ای ایمن! بودید شما از ان [خدای] که خدای آسمانست که فرو برد شمارا

#

بزمین ...؟

سورآبادی ۱۲۲۲/۲

ایمن می‌باشید ازو که در آسمان... که در زمین فرو برد شمارا ... آنکه

زمین شما را گرداند؟

میبدی ۱۶۸/۱۰

چه گویند یا اهل مکه شمارا ایمنی است از آن خدای که از زبر هفت آسمان

برست بقدرت خویش؟ شمارا ازو ایمنی آمده است. کمبریج ۳۱۷<sup>b</sup>

آیا ایمن شدید آنرا که در آسمان است که فرو برد شمارا بزمین پس آنگاه

آن موج زند؟

ابوالفتوح ۸۱/۱۰

اَلَمْ تَعْلَمِ اِنَّ اللّٰهَ لَئِنَّ مَلِكَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ

اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيْرٍ ۱۰۷/۲

ندانی که خدای اوراست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست شمارا از بیرون

خدای هیچ دوستی و نه یاری دهی؟ ترجمه تفسیر طبری ۹۹/۱

و ندانی که خدای [عزوجل]، اوراست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست

شمارا از فرود خدای [عزوجل] نه هیچ دوستی و نه هیچ یاری [و نگاهداری]؟

سورآبادی ۱۸/۱

و نمیدانی ای آدمی... که اللهراست پادشاهی آسمانها و زمین..؟

میبیدی ۳۰۴/۱

گفت پس ندانی یا شنونده کی پادشاهی هفت آسمان و زمین مرخدای راست

تفسیر پاک ۵۱

عز و جل ..؟

اَلَمْ يَرَوْا كَمْ اٰهَلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ ۳۱/۳۶

او نمی بینند که چند ناچیز کردیم پیش از ایشان از گذشتگان .

کمبریح a ۱۸۱

بنه نگرند که چند تباه کردیم پیش ایشان از گروهانی که ایشان سوی ایشان

ترجمه تفسیر طبری ۱۴۹۸/۶

نه باز گردند؟

یا ندیدند که چندما هلاک کردیم پیش از ایشان از گروهان که ایشان با

سورآبادی ۹۱۶/۲

اینها نمی گردند و نمی آیند.

نمی بینند که چند تباه کردیم پیش از ایشان گروه گروه..؟ میبیدی ۲۲۱/۸

آیا ندیدند که بسیار هلاک کردیم ما پیش از ایشان از قرنها...؟

ابوالفتوح ۲۶۲/۸

همی نبینند چندا کما هلاک کردیم از پیش ایشان از گروهان؟

قرآن مجید با ترجمه، نسخه شماره ۷۷

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْصِقُوا مَسَا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ

آمَنُوا أَنْطَعِمِهِمْ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ اطْعَمَهُ . . . ۴۷/۳۶

و چون گویند ایشانرا که: هزینه کنید از آنچه روزی کرد شمارا خدای عز و جل. گویند آنکسها که کافر شدند مر آنکسها را که بگرویدند که: آیتها طعام دهیم آنرا که خواهد خدای که طعام دهد . . . ؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۴۹۹/۶ \*

و چون گویند مر ایشانرا هزینه کنید، ای که صدقه کنید، از آنچه شما را روزی کرده است خدای تعالی، ای که چون مومنان مکیان را گویند که صدقه کنید بر درویشان از داده خدای تعالی گویند او طعام دهیم آنکس را که اگر خدای تعالی خواستی او را طعام دادی ؟

کمبریج b ۱۸۲

و چون گویند ایشان را نفقه و هزینه کنید از آنچه روزی کرده است شمارا خدای گویند آن کسهایی که بنه برویدند (بنه گرویدند) مر برویدگان را ای ما طعام دهیم آن کسها را که اگر خواهد خدای روزی دهد او را، نیستید شما مگر در گمراهی هویدا؟

سورآبادی ۹۱۸/۲

. . . و چون ایشانرا گویند نفقه کنید بر درویشان . . . از آنچه الله شما را روزی داد ناگرویدگان ایشان گویند گرویدگانرا . . . ما طعام دهیم کسی را که اگر الله خواهد او را خود طعام دهد؟

میبدی ۲۲۳/۸ \*

چون گفته شود آنها را انفاق کنید از آنچه روزی داد شمارا خدا گفتند آنکسانیکه کافر شدند مر آنان که گرویدند آیا طعام دهیم آن کسرا که اگر خواهد خدا طعام دهد او را . . . ؟

ابوالفتح ۲۷۲/۸

وَمَنْ نَعَسْرَهُ نَتَّكِّسُهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۶۸/۳۶

وهرکی را زندگانی دهیم زمانی(؟) اندر آفریش، آیا نه خردمندی کنند؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۵۰۱/۶

وهر کرا دراز کنیم زندگانی او، تنکسه، باز گونه گردانیم اورا، فی الخلق، در آفرینش، ای که بدل قوت و جوانی، پیسری و فرتوتی بدل دهیم، و بدل شنوایی، کری، و بدل توانایی، سستی، و بدل زیادت، کمی، افلا تعقلون، او پس در نمی‌یابید که آنکه تواند که شمارا از پس مرگ برانگیزد...؟

کمبریج a ۱۸۴

و هر که ما اورا عمر دراز دادیم باز گردانیم اورا در آفرینش [با حال اول]. ای خرد ندارید؟

سورآبادی ۹۲۰/۲

... وهر کرا عمر دراز دهیم ... خلق وی برگردانیم بیس ...

میبدی ۲۳۶/۸

در نمی‌یابند؟

وهر که را عمر دادیم برگردانیم اورا در آفرینش آیا تعقل نمیکنند؟

ابوالفتوح ۲۸۱/۸

اَوَلَمْ يَرَوْا اِنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَا اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا

مَالِكُوْنَ ۷۱/۳۶

ته همی بینند که ما بیافریدیم ایشانرا از آنچه کرد دستهای ما چهارپایان و ایشان آنرا خداوندان اند؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۵۰۱/۶

او نمی‌بینند ای که نمی‌دانند انا خلقنا لهم که ما بیافریدیم از بهر ایشان..؟

کمبریج a, b ۱۸۴

ای نه می‌بینند که ما بیافریدیم برای ایشان را از آنچه ما کردیم بقوت خود [بی معوت خلق] چهارپایانی تا ایشان آنرا نگاه دارندگان باشند؟

سورآبادی ۹۲۱/۲

نمی‌بینند که بیافریدیم ما ایشانرا ... از آنچه ما کردیم و آفریدیم ...

میبدی ۲۳۶/۸

... چهارپایان شتران و گاوان و گوسپندان ...

آیا نمی‌بینید که ما آفریدیم برای ایشان از آنچه کرده دستهای ما چهار-

ابوالفتوح ۲۸۱/۸

پایان را ... ؟

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

۶۲/۳۶

و بدرستی که بی‌راه کرد از شما گروهانی بسیار، آیا نبودید که می‌دانستید؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۵۰۱/۶

بخدای که گم کرده کرد دیو از شما جبلا کثیرا خلق بسیار، ای که بعد از راه مسلمانی خلقی بسیار را از شما ... افلم تکونوا تعقلون او پس خرد ندارید و در نمی‌یابید که شما را از راه می‌ببرد دشمن شماست؟ کمبریج b ۱۸۳ و بدرستی که گم کرد [شیطان] از شما خلق بسیار؛ ای نبودید شما که خرد را کار بستید؟

سورآبادی ۹۲۰/۲

... بدرستی که پیراه کرد از شما ... گروهانی انبوه ... خرد نداشتید [که دیو بدشمن نداشتید]؟

میبدی ۲۳۵/۸

و بتحقیق گمراه کرد از شما خلق بسیاری را آیا پس نبودید که تعقل کنید؟

ابوالفتوح ۲۷۳/۸

يَقُولُ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ \* اِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا

اِنَّا لَمَكْدِينُونَ . ۵۳ و ۵۲/۳۷

گوید: او توی از راست کردگان<sup>۱۰</sup> آیا بمیریم و باشیم خاکی و استخوانی

ما شمار کردگانیم؟ ترجمه تفسیر طبری ۱۵۱۹/۶

يقول این کافر می‌گفت مومن را اِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ او تو از آنهایی که

استوار می‌دارند که خدای تعالی خلق را زنده کند و پاداش دهد \* اِذَا مِتْنَا وَّعِظَامًا و کنا تراباً و عظاماً او چون ما بمردیم و خاکشیدیم و استخوانها ماندم اِنَّا لَمَكْدِينُونَ

او ماییم که مارا پاداش دهند و بر ما شمار کنند؟ کمبریج a ۱۸۸

می‌گفتی یا تو از باور دارندگان باشی \* چون بمرده باشیم و ببودیم خاکی

و استخوانی ما پاداشت دادگان خواهیم بود؟ سورآبادی ۹۳۰/۲

... که میگفت مرا: باش تو از استوار گیرندگان و از گرویدگانی؟  
 که آنکه ما بمردیم و خاک گردیم و استخوان ... ما پاداش دادنی‌ایم و با ما  
 شمار کردنی؟ میبیدی ۲۶۷/۸

میگفت آیا تو البته از جمله تصدیق‌کنندگان؟ آیا چون بمیریم ما و باشیم  
 خاک و استخوان آیا ما پاداش دادگانی؟ تفسیر ابوالفتوح ۲۸۸/۸

عَ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا و عِظَامًا اِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۱۶/۳۷  
 چون بمیریم و باشیم خاکی و استخوانی آیا ما ایم زنده کردگان؟  
 ترجمه تفسیر طبری ۱۵۱۷/۶

«اذا متنا و کنا ترابا و عظاما و چو بمیریم ما و خاک گردیم و استخوانها  
 ائنا لمبعوثون او مارا زنده خواهند کرد و از گور بر خواهند انگیخت؟  
 کمبریج b, ۱۸۶a

ای چون ما بمردیم و بودیم خاکی و استخوانهایی ما آنگاه برانگیخته  
 خواهیم بود؟ سوراآبادی ۹۲۷/۲

... باش ما آنکه که خاک گردیم و استخوان ... ما با پدران پیشینان ما  
 برانگیختنی‌ایم؟ میبیدی ۲۵۶/۸

آیا چون بمیریم ما و شویم خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته شدگانیم؟  
 ابوالفتوح ۲۸۷/۸

قَالُوا ءَا نْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِاللَّسَةِ اِبْرَاهِيمَ ۱۰/۲۱

سر خدایان ما، یا ابراهیم؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۰۳۵/۴

گفتند او تو کردی این بر استای بتان ما ای ابراهیم؟ کمبریج b ۳۳

یا ابراهیم او این تو کردی با خدایان ما؟ موزه بریتانیا ۱۰۸a

- گفتند ای تو کردی این بخدایگان ما ای ابراهیم؟ سوره آبادی ۶۴۶/۲
- ... گفتند این تو کردی بخداوندان ما ای ابراهیم؟ میبیدی ۲۵۹/۶
- گفتند آیا تو کردی این کار را بخدایان ما ای ابراهیم؟ ابوالفتح ۲۶/۷
- وَ إِذَا رَأَى الْكَافِرِينَ كَفَرُوا إِذْ يَتَخَذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي  
يَذُكَّرُ أَلَيْسَ لَكُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ لَهُمْ كَافِرُونَ ۳۶/۲۱
- ... گوید این آن مر [د] است کمی یاد کند خدایان شمارا ببندی و ایشان  
بیاد کرد خدای ناگرویدگان اند؟ ترجمه تفسیر طبری ۱۰۳۲/۴
- ... گویند او اینست که یاد می کند بتان شمارا ببندی ...؟ کمبریج a ۳۱
- ... او اینست که کی خدایان شمارا بعیب می یاد کند؟ موزه بریتانیا b ۱۰۰
- ... گویند ای اینست آنکه می عیب کند خدایگان شمارا...؟
- سوره آبادی ۶۴۴/۲
- ... آنکه که کافران ترا ببینند... ترا جز بافوس فرامی دارند... می گویند  
اینست که خدایان شمارا بزبان می آرد...؟ میبیدی ۲۳۷/۶
- آیا اینست آن که یاد میکند خدایان شمارا ...؟ ابوالفتح ۶۵/۷
- أَفَسَنَاتَّبِعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوِيَةٌ جَهَنَّمَ ۴  
وَبَشِّرِ الْمُتَصِيرِينَ ۱۶۲/۳
- هر کی متابعت کند خشنودی خدای چنان باشد که اندر ماند بخشم از خدای  
و جایگاه او دوزخ است و بدست جایگاه؟ ترجمه تفسیر طبری ۲۶۲/۱
- ای آن کسی که پس روی کرد خشنودی خدای را [بویکر و عمر] چنان  
کسی بود که سزاوار گشت خشمی را از خدای و جایگاه او دوزخ بود [ابوجهل]؟  
و بد بازگشتن جای [که دوزخ است]. سوره آبادی ۱۰۳/۱
- ... باشی کسی که بر پی رضوان خدا رود و جستن خوشنودی وی ...



هم‌چون کسی بود که باز آید و باز گردد بخشم از خدای...؟ و بازگشتن گاه او  
دوزخ ... و بد شدن گاهی که آنست .

میبیدی ۳۳۱ و ۳۳۰/۲

آیا پس آنکه متابعت نمود خوشنودی خدا را چون آنکس که بخشی سزاوار  
بود از خدای؟ و جای او دوزخ بود و بداجای بازگشتن آن ...؟

ابوالفتوح ۲۵/۳

اَوَلَبَا اَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ اَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قَلْتُمْ اِنَّیْ هَذَا

قَتْلٌ هُوَ مِنْ عِنْدِ اِنْسَابِكُمْ اِنَّ اِلَهَ عَالَمِیْنَ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ۱۶۵/۳

اگر برسد شمارا مصیبتی (نسخه‌بدل: یا چون برسید بشما کاری اندوهگن)  
که برساندید دوچندان. گفتید: از کجا باشد این؟ بگوی: آن از نزدیک تنهای

شما [است]...؟ ترجمه تفسیر طبری ۲۶۳/۱

ای چون فرا شما رسد رسیده از اندوه [چنانکه باحد رسید] که یافته‌باشید

دوچندر آن، گوئید از کجا بود این؟ بگوی ... سوراآبادی ۱۰۴/۱

... باش هر گه که بشما رسد چیزی که رسد... از ناپایسته‌ای که شما از دشمن

بدوچندان رسیده‌اید از پیش فا، و بهر می‌یافته‌اید از ایشان ...؟

میبیدی ۳۳۱/۲

و آنچه بشما رسد رسنده بحقیقت رسید بشما دوچندان گفتید از کجاست

این بگو آن از نزد شماست . ابوالفتوح ۳۸/۳

اَلَمْ یَرَوْا کَمْ اَهْلَکْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ ۶/۶

ای ننگرند چند هلاک کردیم از پیش ایشان از گرهی ...؟

قرآن مجید، نسخه شماره ۱۴۶۸، ورق ۳۳

قَتْلٌ اَغْرِیْرَ اِلَهَ اتَّخَذُوْا وَلِیًّا ۱۴/۶

بکه (= بگو) ای جد (= جز) خدای گیرم ولی آفریدگار؟

قرآن مذکور، ورق ۳۳

- ۱۱۴/۶ افغیر الله ابتغی حکماً ....  
 ای جد (جز) خدای طلبم داوری...؟ قرآن مذکور، ورق ۳۸
- ۴۰/۲۷ ... ء اشکر ام اکفر ...  
 تا شکر کنم یا ناسپاسی کنم...؟ قرآن مجید، نسخه شماره ۵۸ ع
- ۶۳/۲۷ ... ء الله مع الله تعالی ...  
 ای خدایی هست یا خدای بزرگوارست...؟ قرآن مذکور ع
- ۶۷/۲۷ ... ء الله مع الله قتل هاتوا برهانکم  
 ای خدایی هست با خدای بگو بیارید حجتشان؟ قرآن مذکور
- ۶۷/۲۷ ... ء اذا کنتا تراباً ...  
 ای چون باشیم خاکی...؟ قرآن مذکور
- ۸۶/۲۷ الهم یتروا انا جعلنا اللیل ...  
 ای نهینند که ما کردیم شب را...؟ قرآن مذکور
- ۴۴/۳۵ من قبلهم ...  
 یا همی نروند اندر زمین بنگرند چگونه بود سر انجام آنکها...؟ قرآن مجید، نسخه شماره ۷۷
- ۷۷/۳۶ اوکم یرالانسان انا خلقناه ...  
 یا همی نهینند مردم کما بیافریدیم او را؟ قرآن مذکور
- ۲۸/۱۴ الهم تر الی الذین بادلوا نعمت الله کفراً ....  
 او ، نهیننی یا محمد سوی آنکسان که بدل کردند ... ۸۲۳/۴

الَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الْكَافِرِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلِ فِذَاقُوا وَبَالَ ...

۵/۶۴

آیا نرسید شمارا خبر آنکها که کافر شدند از پیش، بچشیدند وبال فرمان ایشان...؟

ترجمه تفسیر طبری ۱۸۸۰/۷

سوی شما نرسید یا اهل مکه خبر آنکها که پیش از شما کافران بودند که خدای با ایشان کرد ...؟

کمبریج b ۳۱۰

او نرسیده است بشما خبر کسانی که پیش از شما کافر شدند؟

تفسیر فاتح شماره ۳۰۱

... نیامد بشما خبر آن ناگرویدگان که پیش ازین بودند... بچشیدند گرانباری

میبدی ۱۲۳/۱۰

کار خویش ...؟

... اِيْحِبِّ احْدَكُمُ اِنْ يَأْكُلْ لَحْمِ اَخِيهِ مَيْتًا فَكَرْهَتَهُ ...

۱۲/۴۹

... دوست دارد یکی از شما که بخورد گوشت برادر خویش مرده؟ ودشخوار

ترجمه تفسیر طبری ۱۷۲۹/۷

دارید آن...؟

... دوست دارد یکی از شما که گوشت برادر خویش بخورد که مرده باشد

یا نه؟ بل کشما کراهیت دارید گوشت مرده خوردن...

کمبریج b ۲۶۵

... او دوست دارد یکی از شما کی بخورد گوشت برادر خود را و او مرده

تفسیر فاتح، شماره ۳۰۱

بود؟ و شما خود آن را ناپسند باشید ...

دوست میدارد یکی از شما... که گوشت برادر خویش خورد مرده...؟

میبدی ۲۵۶/۹

دشوار میدارید آن و نابایسته..

اولم يرايْتَدِين كَفَرُوا ۳۰/۲۸

ابوالفتوح ۶۵/۷

آیا و ندیدند کسانی که کافر شدند؟

\*\*\*

## ۳- نشانه‌های استفهام فارسی معادل «هل»:

قال هل انتم مطَّلِعُونَ ۵۴/۳۷

گفت: هستید شما دیدور شوندگان؟ ترجمه تفسیر طبری ۱۵۱۹/۶  
او خواهید شما تا یکی بنگرید که آن بوقطروس در آتش کدام جایگاه است؟

کمبریج a ۱۸۸

گوید هیچ هستید شما نگه کنندگان...؟ سورا بادی ۹۳۰/۲

الله فرماید شما بران قرین فرو نگرید. میبیدی ۲۶۷/۸

گوید آنمرد آیا شما مطلعید؟ ابوالفتوح ۲۸۸/۸

يا أَيُّهَا النَّاسِ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ

اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانْتَبِهُوا تَوْفِكُونَ

۳/۳۵

... هست هیچ آفریننده‌ای جز خدای عزوجل روزی دهد شمارا از آسمان و

زمین...؟ ترجمه تفسیر طبری ۱۴۸۷/۶

هیچ آفریدگاری هست جز خدای تعالی پرزقکم من السماء والارض روزی

دهد شمارا از آسمان و آن بارانست، و از زمین و آن گیاهست و کشت و درخت...؟

کمبریج a ۱۷۲

هیچ هست آفریدگار جز از خدای [عزوجل] که روزی دهد شمارا از آسمان

و زمین؟ نیست هیچ خدای [و هیچ آفریننده و روزی دهنده] مگر او بکدام شبهت

می برگردانند شمارا. سورا بادی ۹۰۵/۲

... هست آفریدگاری جز الله... که روزی دهد شمارا از آسمان و زمین...؟

نیست خدائی جز او... چون می برگردانند شمارا از راستی.

میبیدی ۱۵۷/۸

... آیا هیچ آفریننده هست جز خدا روزی میدهد شمارا از آسمان وزمین؟  
نیست خدائی مگر او ...  
ابوالفتوح ۲۳۵/۸

ضَرَبَ لَكُمْ مِثْلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ  
لَا مِنْ شُرَكَاءَ فَيَسْأَلُونَكُمْ عَنْ رِزْقِكُمْ ... ۲۸/۳۰

هست (نسخه بدل: هیچ هست) شمارا از آنچه پادشاهند دستهای شما از انبازان  
اندر آنچه روزی دادیم شمارا...؟  
ترجمه تفسیر طبری ۱۳۹۹/۵  
هل لكم ما ملكت ايمانكم او هیچ هست مر شما را از آنچه ملك شماست و  
در دستهای شماست از غلامان و کنیزکان شما من شرکاء فیما رزقناکم انبازانی...؟  
کمبریج b ۱۳۳

... هیچ هست شمارا از آنکه زیردستان شمااند هیچ انبازانی در آنچه  
روزی کردیم شمارا تا شما [با زیردستان شما] دران [نعمت] یکسان و برابر باشید؟  
سورآبادی ۸۱۸/۲

... شمارا از بردگان شما هیچ انباز هست... در آن که من شمارا دادم از  
مال دنیا...؟  
میبدی ۴۴۳/۷

آیا مر شمارا است از آنچه مالک شده دستهای شما از شریکان در آنچه روزی  
کردیم شمارا ..؟  
ابوالفتوح ۶۸/۸

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ ... ۷/۳۴

ای دلالت کنیم شمارا بر مردی...؟  
ترجمه تفسیر طبری ۱۴۵۲/۵  
و گفتند آنکسان که خستون نیامدند بروز رستاخیز... - ای شگفتی او  
راه ننمایم شمارا بر مردی و آن محمد است...؟  
کمبریج a ۱۶۴

ایشان گفتند که بشگرویدند یکدیگر را... نشانی دهیم شمارا .... بر مردی که  
می خبر کند شمارا...؟  
میبدی ۱۰۴/۸

آیا دلالت کنیم شمارا؟ تفسیر ابوالفتوح ۱۹۹/۸

... هَلْ مِنْ خَالِقٍ يُسَمِّيهِ اللَّهُ يُرْزِقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ...

۳/۳۵

... هست هیچ آفریننده‌ای جز خدای عزوجل روزی دهد شمارا از آسمان

ترجمه تفسیر طبری ۱۴۸۷/۶

وزمین؟

... هیچ آفریدگاری هست جز خدای تعالی روزی دهد شمارا از آسمان و

آن بارانست، و از زمین و آن گیاهست و کشت درخت...؟ کمبریج ۱۷۲

... هست آفریدگاری جز الله... که روزی دهد شمارا از آسمان و زمین...؟

میبدی ۱۵۷/۸

... فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ...

۴۳/۳۵

... آیا می‌نگرند مگر نهاد پیشینگان؟ ندیابی نهاد خدای را بدل کردنی...

ترجمه تفسیر طبری ۱۴۹۳/۶

... چشم نمیدارند مگر درخور آنچه پیشین دیدند از سرانجام بد...؟

میبدی ۱۸۴/۸

... ندیابی هرگز نهاد الله را جز کردن ...

... ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ ... يَتَوَلَّوْنَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ ...

۱۵۴/۳

... گویند: هست مارا از کار هیچ چیزی؟... ترجمه تفسیر طبری ۲۶۰/۱

... می‌گویند آذا مارا ازین کار چیزی خواهد بود؟ سورآبادی ۱۰۲/۱

... و با خود می‌گفتند: «هل لنا من الامر من شيء» از کار بما هیچ چیز

میبدی ۳۰۷/۲

هست؟...

... می‌گفتند هیچ نیست مارا از کار هیچ چیز...؟ ابوالفتوح ۱۵/۳

## ۳- نشانه‌های استفهام فارسی منقول از متن فارسی تفاسیر :

و موسی را علیه‌السلام سه کودک بود خرد: یکی را برین برگرفت و یکی را بر  
 آن بر و یکی بر کنار، روی بر روی ایشان باز می‌نهاد؛ در میان بدل او بگنشت  
 که آذا که حال ایشان از پس مرگ من چون بود؟ جبریل علیه‌السلام آمد که یا  
 کلیم‌الله، دل بمصالح ایشان مشغول می‌داری؟ سورآبادی ۱/۱۹۵  
 بو ایوب انصاری گفت مر زن خویش را مادر ایوب او می‌شنوی تا چه  
 می‌گویند مردمان در عایشه؟ آن زن گفت... کمبریج b ۶۴  
 عایشه گفت او نه عذاب بزرگ بدورسیده‌است؟ کمبریج a ۶۵  
 او نبینی که دوزخیان یاری نخواهند از مادر و پدر، اما یاری خواهید از  
 دوستان خویش؟ کمبریج a ۷۵

\*\*\*

با ملاحظه نمونه‌های متعدد مذکور در فوق روشن می‌شود که در زبان فارسی  
 علاوه بر نشانه استفهام «آیا»، نشانه‌های دیگری نیز برای استفهام موجود بوده که  
 خوشبختانه در برخی از آثار مکتوب نظیر تفسیرهای مورد بحث بجا مانده‌است. این  
 نشانه‌ها - بجز «هیچ» و «مگر» که موارد استعمال آن در «پرش تا کیدی» در  
 متون نظم و نثر فارسی بسیار است - در فرهنگها نیامده و در کتابهای دستور زبان  
 فارسی نیز بآنها اشاره‌ای نشده‌است. شاید هر یک از این نشانه‌ها متعلق به  
 لهجه‌ای خاص بوده‌است و مؤلفان تحت تأثیر لهجه خود آنها را بکار برده‌اند.  
 نویسنده این سطور معتقد است اگر اهل فن در باره نشانه استفهام در لهجه‌های  
 زنده فارسی در ایران و افغانستان و تاجیکستان به تحقیق پردازند محتملاً  
 ممکن است همه و یا برخی از نشانه‌های استفهام مورد بحث را در لهجه‌های امروزی  
 زنده و رایج بیابند.

یادداشتها :

- ۱- خلاصه مثنوی، نگارش بدیع‌الزمان فروزانفر ۲۲
- ۲- شاهنامه فردوسی، چاپ بروخیم، ۱۴۹/۴ .
- ۳- کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی ۸۸
- ۴- شاهنامه فردوسی، به نقل از لغت‌نامه دهخدا
- ۵- نسخه Min. 4. 15, Erpenius. این کتاب به تصحیح نویسنده این‌طور پی‌رودی منتشر می‌شود .
- ۶- در همین تفسیر، بندرت «او» در ترجمه آیات قرآن، معادل حرف « و » بکار رفته‌است، که اگر خطای کاتب نباشد بانشانه‌استفهام مورد بحث ابتدا ارتباطی ندارد مانند: وما تجزون او پاداش ندهند شمارا در آن جهان الا ماکنتم تعملون مگر آنچه شما می‌کردید درین جهان . کمبریج b ۱۸۷ .
- ... وما جعل ازواجکم الائی و نکرد زنان‌شمارا که جفت شمااند آن زنان .....
- ..... وما جعل ادعیاءکم ابناءکم او نکرد آن‌پسرانرا که شما پسر می‌خوانید و پسر شما شما نیست و از آن کسی دیگرست .... کمبریج b ۱۴۸
- ... وانزلنا من السماء او فرود فرستادیم از آسمان ماء آبی و آن بارانست .... کمبریج a ۱۲۹
- ۷- مقاله نگارنده: تفسیری کهن‌به‌زبان فارسی، نامه آستان‌قدس ص ۶ و ۷، شماره ۴، سال ۷ .
- ۸- این نسخه به وسیله نگارنده تصحیح‌شده و آماده چاپ‌است .
- ۹- اطلاعات مربوط به سال کتابت و شماره این نسخه را شرق‌شناس محترم آقای G. M. Meredith Owens باضافه ۲۸ ورق عکس‌نسخه مورد بحث را به بنده مرحمت کرده‌اند.
- ۱۰- در ترجمه تفسیر طبری: گوید او: توی از راست کردگان. به قیاس موارد مشابه اصلاح شد .

کتابخانه دانشکده معقول و منقول مشهد

الف - ۱۸